

## جنگ غزه و سیاست عربستان سعودی در قبال مسئله فلسطین و عادی‌سازی روابط با اسرائیل (افکار عمومی و رویکردهای رسانه‌ای) مهدی علیخانی<sup>۱</sup>

### چکیده

عملیات طوفان الاقصی و جنگ غزه در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در شرایطی به وقوع پیوست که بامحوریت آمریکا نظم جدیدی مبتنی بر گسترش قلمرو عادی‌سازی با رژیم اسرائیل در حال اجرا بود. این جنگ موجب اثرگذاری بر رویکردهای بازیگران کلیدی غرب آسیا و نیز نظم آتی منطقه شده است. از آنجایی که تحلیل سیاست‌های عربستان به واسطه جایگاه این کشور در میان اعراب و جهان اسلام و نقش افکار عمومی و رسانه‌ها در این زمینه اهمیت دارد، هدف پژوهش حاضر آن است تا ضمن بررسی ارتباط میان مواضع ریاض در قبال منازعه فلسطینی-اسرائیلی با اجرای این عملیات، پیامدهای جنگ غزه بر مواضع سعودی در قبال مسئله فلسطین و عادی‌سازی مناسبات با تل‌آویو و چرایی تحول آن را تحلیل کند. سؤال اصلی مقاله این است که جنگ غزه چه پیامدی بر سیاست عربستان در قبال مسئله فلسطین و عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل داشته است؟ فرضیه نگارنده در پاسخ به سؤال این است که تحولات این جنگ موجب شد تا ریاض با بازنگری در سیاست جاری خود به یک «رویکرد تلفیقی» از سیاست سنتی و سیاست جدید در قبال این منازعه تاریخی متوسل شود. بر این اساس، تحولات جنگ غزه اگرچه مانعی بر سر تحقق عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم اسرائیل نخواهد بود اما در رویکرد تلفیقی، سعودی در کنار تأکید بر منافع خاص خود، بار دیگر حقوق فلسطینیان را مدنظر خواهد داشت. این مقاله با استفاده از روش «توصیفی-تحلیلی» و بهره‌گیری از نظریه «واقع‌گرایی نوکلاسیک» ضمن تأیید فرضیه به این یافته‌ها رسیده است که با وجود تغییر سیاست سنتی عربستان در دوره سلمان‌ها به سیاستی جدید یعنی عدول از شرط تشکیل دولت مستقل فلسطینی برای عادی‌سازی، اما پیامدهای جنگ غزه موجب اتخاذ رویکرد تلفیقی مورد اشاره از سوی ریاض گردید. در واقع، واکنش‌های افکار عمومی در سطوح داخلی و منطقه‌ای متأثر از بازنامی رسانه‌ها از تحولات جنگ غزه و آلام مردم فلسطین، و افزایش هزینه‌های عادی‌سازی متأثر از متغیرهای «هویت و مشروعیت»، در کنار برداشت مجدد تهدید عربستان از اسرائیل سبب شد تا به‌رغم فشارهای آمریکا برای تحقق عادی‌سازی این رویکرد تلفیقی پیگیری گردد.

**کلیدواژه‌ها:** جنگ غزه، عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل، نظم منطقه خاورمیانه، افکار عمومی، سیاست-خارجی عربستان سعودی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

Doi: 10.22034/imrl.2025.545586.1337

۱. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

mahdialikhani@iau.ac.ir



## مقدمه

در شرایطی که ایالات متحده با پیشبرد روند عادی‌سازی روابط میان اعراب منطقه و رژیم اسرائیل در پی شکل‌دادن به ترتیبات نوین در منطقه غرب آسیا بود، اجرای عملیات طوفان الاقصی در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ خود به یک نقطه عطف مهم برای دگرگونی در سیاست‌ها و رویکردهای بازیگران کلیدی منطقه غرب آسیا بدل گردید. در این بین، مهمترین پروژه واشنگتن در منطقه یعنی برقراری روابط دیپلماتیک میان ریاض-تل‌آویو به سرعت تحت تاثیر این عملیات قرار گرفت. پژوهش حاضر در پی آن است تا ضمن بررسی ارتباط میان مواضع عربستان در قبال منازعه فلسطینی-اسرائیلی با اجرای عملیات طوفان الاقصی، پیامدهای این واقعه بر مواضع سعودی در قبال مسئله فلسطین و عادی‌سازی مناسبات با تل‌آویو و چرایی آن را مورد مطالعه قرار دهد. اهمیت این موضوع از دو جهت می‌باشد. نخست، جایگاه اثرگذار و تعیین‌کننده عربستان سعودی در جهان عرب و اسلام و تاثیر رویکردهای این بازیگر بر دولت‌های این جوامع؛ دوم، چگونگی اثرگذاری افکار عمومی متأثر از بازنمایی رسانه‌ها از تحولات جنگ غزه و پیامدهای آن بر سیاست ریاض در قبال منازعه تاریخی خاورمیانه. براین اساس، سوال اصلی این است که جنگ غزه چه پیامدی بر سیاست عربستان سعودی در قبال مسئله فلسطین و عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل داشته است؟ فرضیه اصلی نگارنده این است که این عملیات موجب شد تا ریاض با بازنگری در سیاست جاری خود، به یک «رویکرد تلفیقی» از سیاست سنتی و سیاست جدید در قبال مسئله فلسطینی-اسرائیلی متوسل شود. براین اساس، تحولات جنگ غزه اگرچه مانعی بر سر تحقق عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم اسرائیل نخواهد بود اما در «رویکرد تلفیقی»، سعودی در کنار تاکید بر منافع خاص خود، بار دیگر حقوق مردم فلسطین را نیز مدنظر خواهد داشت. همچنین، سوال فرعی مقاله این است که مهمترین عوامل تحول در این سیاست چه بوده‌اند؟ براساس فرضیه فرعی، نگاه افکار عمومی در سطح داخلی و منطقه‌ای متأثر از بازنمایی رسانه‌ها از تحولات جنگ غزه در کنار برداشت مجدد تهدید عربستان سعودی از رژیم اسرائیل از مهمترین دلایل تغییر سیاست این کشور در قبال منازعه تاریخی خاورمیانه، باوجود فشارهای ایالات متحده برای تحقق عادی‌سازی بوده است.

لازم به ذکر است منظور این پژوهش از «سیاست سنتی» عربستان، پیگیری طرح صلح عربی ۲۰۰۲ برپایه تحقق کشور فلسطینی به‌عنوان شرط شناسایی اسرائیل، و منظور از «سیاست جدید» عربستان، رویکرد این کشور در دوره سلمان‌ها برپایه تامین منافع خاص سعودی چون



تضمین‌های امنیتی ایالات متحده و برخورداری توانمندی هسته‌ای به‌عنوان شروط شناسایی رژیم اسرائیل می‌باشد. درخصوص روند عادی‌سازی روابط ریاض و تل‌آویو به‌ویژه متأثر از واقعه هفتم اکتبر پژوهش‌های معدودی را می‌توان به‌عنوان «پیشینه» مورد اشاره قرار داد. امیررضا مقومی و شهروز شریعتی در مقاله «اثرسنجی نظام موازنه‌آور آمریکا در روابط راهبردی عربستان سعودی و اسرائیل» با استفاده از نظام مفهومی موازنه‌آور از راه دور، بیان می‌کنند که آمریکا می‌کوشد از طریق گسترش روابط اسرائیل و عربستان سعودی، با احیای رهنامه دوستونی پیشین خود، امنیت این منطقه را در چارچوب راهبرد ثبات هژمونیک ایالات متحده دنبال کرده و تغییر ژئوپلیتیک انتقال انرژی منطقه را رقم بزند (مقومی و شریعتی، ۱۴۰۱). همایون افسردیر و همکاران در مقاله «دیپلماسی پنهان میان عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی: ریشه‌ها، روندها و شکست» نیز با بهره‌گیری از مفهوم «دیپلماسی پنهان»، بن‌بست عادی‌سازی میان طرفین را اگرچه تاحدی ریشه در وقوع عملیات طوفان الاقصی ۲۰۲۳ می‌دانند اما دلایل اصلی آن را نبود یک نقشه راه مشخص، تک‌بعدی بودن، سبک خاص دیپلماسی تل‌آویو مبتنی بر ضددیپلماسی، دیپلماسی فریب‌کارانه سعودی و در نهایت سردرگمی ایالات متحده در سیاست خارجی خود عنوان می‌کنند (افسردیر و همکاران، ۱۴۰۳). «نوآوری» مقاله حاضر با توجه به پژوهش‌های اندک درخصوص پیامدهای جنگ اخیر غزه بر روند عادی‌سازی، از چند جهت است: بررسی پیامدهای جنگ غزه بر سیاست‌های عربستان سعودی در قبال روند عادی‌سازی، توجه به نقش افکار عمومی و بازنمایی رسانه‌ها از تحولات جنگ غزه به‌عنوان عامل مهم در سیاستگذاری حاکمان این پادشاهی محافظه‌کار، استفاده از داده‌های افکارسنجی معتبر در این زمینه، و اشاره به غلبه ملاحظات داخلی و منطقه‌ای بر ملاحظات ساختاری یعنی نقش آمریکا در تغییر رویکرد ریاض به سیاست عادی‌سازی. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته و پس از گردآوری داده‌ها و توصیف سیاست‌های سنتی و جدید ریاض در قبال منازعه تاریخی خاورمیانه و ارتباط عملیات طوفان الاقصی با روند عادی‌سازی، به تحلیل پیامدهای جنگ غزه بر رویکرد عربستان سعودی و چرایی آن پرداخته و با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک ضمن مدنظر قرار دادن سطوح تحلیل مختلف، در پی فهم روابط متغیرها و چرایی و چگونگی اثرگذاری متقابل آنها بر یکدیگر است.



## مبانی نظری؛ واقع‌گرایی نوکلاسیک<sup>۱</sup>

رتالیسم به‌عنوان مکتبی پویا در مطالعات بین‌المللی متناسب با تحولات نظری و عملی حادث، در قالب نسخه‌های جدیدی ظهور پیدا کرده است. واقع‌گرایان بر گزاره‌های مشترکی چون دولت محوری، بقا، قدرت محوری و موازنه قدرت تاکید دارند. در سال ۱۹۷۹، کنت والتز با طرح واقع‌گرایی ساختارگرا برخلاف واقع‌گرایان کلاسیک که منشاء هر تحولی را در «دولت»‌ها جستجو می‌کردند، بر ویژگی‌های نظام بین‌الملل متمرکز شد. براین‌اساس، او به برداشت سیستمی از نظام بین‌الملل پرداخت چراکه نمی‌توان سیاست بین‌الملل را با بررسی درون دولت‌ها فهمید (والتز<sup>۲</sup>، ۱۹۷۹: ۶۵). از نگاه برخی صاحب‌نظران اگرچه والتز واقع‌گرایی کلاسیک را که بر کارگزاری دولت‌ها تمرکز داشت تقلیل‌گرا می‌دانست، اما خود نیز با تمرکز بر ساختار نظام بین‌الملل و نادیده گرفتن اراده دولت‌ها و تحولات درونی آنها، دچار تقلیل‌گرایی شد.

در این بین، گیدین رز<sup>۳</sup> با طرح واقع‌گرایی نوکلاسیک عنوان کرد: تأثیر قابلیت‌های قدرت بر سیاست خارجی پیچیده است، زیرا فشارهای سیستمی باید از طریق متغیرهای مداخله‌گر داخلی همانند برداشت‌های تصمیم‌گیرندگان و ساختار دولت منتقل شوند. بنابراین، درک پیوند بین قدرت و سیاست مستلزم بررسی دقیق بسترهای داخلی و بین‌المللی است که سیاست خارجی در آن‌ها تدوین و اجرا می‌شود (رز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸: ۱۳۴). از نگاه واقع‌گرایان نوکلاسیک برای توصیف سیاست خارجی دولت‌ها باید توأمان به عوامل ساختاری و داخلی توجه کرد. مطابق گزاره‌های کلیدی این نظریه، اگرچه نظام بین‌الملل آنارشیک است، اما رفتار دولت‌ها تنها براساس محدودیت‌های ساختاری بین‌المللی و توازن قدرت شکل نمی‌گیرد بلکه متغیرهای داخلی چون «ادراک و برداشت رهبران»، «فرهنگ راهبردی»، «روابط دولت و جامعه» و «ساختارهای دولتی و نهادی» در تعیین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی حائز اهمیت هستند. در این بین، دو متغیر مداخله‌گر یعنی «ادراک و برداشت رهبران» و «روابط دولت و جامعه» از جمله به‌واسطه ارتباط با فرهنگ، هویت و نگاه جامعه به مسائل خارجی حائز اهمیت‌اند. برداشت‌های ذهنی رهبران از منابع و تهدیدها مشخص می‌کند که چگونه یک دولت به تحولات بیرونی و فشارهای بین‌المللی واکنش نشان دهد. «به‌خاطر همین تصورات و باورها، رهبران واکنش‌های متفاوتی به

- 
1. Neoclassical Realism
  2. Waltz
  3. Gideon Rose
  4. Rose



فرصت‌ها و چالش‌های بین‌المللی نشان می‌دهند» (ریپسمن، تالیافرو و لابل، ۱۴۰۳: ۱۰۹). از سوی دیگر، در بررسی «روابط دولت و جامعه» مشخص می‌شود میزان هماهنگی‌ها بین دولت و جامعه و میزان احترام جامعه به رهبران سیاسی در موضوعات مورد اختلاف در حوزه سیاست خارجی چگونه است؟ در صورت بروز اختلاف بین دولت و جامعه فرآیند سیاستگذاری دچار پیچیدگی و مشکلات و موانع بیشتری می‌شود چراکه مجموعه سیاست خارجی ناچار است درصدد رفع چنین اختلافات و مخالفت‌هایی برآید (ریپسمن و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۲-۱۲۱) و نظرات جامعه را مدنظر قرار دهد.

بهره‌گیری از نظریه «واقع‌گرایی نوکلاسیک» بدین‌جهت می‌تواند به تحلیل چرایی تغییر رویکرد عربستان سعودی در قبال مسئله فلسطین و روند عادی‌سازی پس‌از واقعه هفتم اکتبر یاری رساند که ایفای نقش ایالات متحده مهم‌ترین دلیل «ساختاری» پیشبرد روند صلح و سپس عادی‌سازی در منطقه به‌ویژه میان ریاض و تل‌آویو بود اما تحولات جنگ غزه موجب شد تا متغیرهای مداخله‌گر «داخلی» متاثر از عواملی چون هویت، مشروعیت و افکار عمومی و تاثیر آن بر «روابط دولت و جامعه»، در کنار متغیر «توازن قدرت منطقه‌ای» در چارچوب برداشت تهدید جدید، موجب ادراک متفاوت رهبران سعودی و در نتیجه تحول سیاست‌های این کشور در قبال منازعه تاریخی خاورمیانه منجر شود.

## ۱- رویکرد عربستان سعودی در قبال منازعه فلسطینی-اسرائیلی

در این بخش، ابتدا سیاست سنتی و سیاست جدید ریاض در قبال منازعه تاریخی خاورمیانه تبیین شده و سپس تاثیرات جنگ غزه بر تحول دوباره این رویکرد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۱- سیاست سنتی عربستان سعودی

شکست‌های پی‌درپی دولت‌های عرب از رژیم اسرائیل، کناره‌گیری مصر از خط مقدم نبرد با این رژیم و امضای قرارداد کمپ دیوید، موقعیت برتر و بی‌رقیب ایالات متحده با پایان نظام دوقطبی و تلاش برای استقرار نظم مطلوب در مناطق کلیدی جهان از جمله زمینه‌هایی بودند که به پیگیری روند صلح در خاورمیانه و همراهی اعراب محافظه‌کار با آن منجر شدند. البته پیش از آغاز رسمی روند صلح در آغاز دهه ۱۹۹۰، فهد، ولیعهد وقت عربستان در اوت ۱۹۸۱، به ارائه طرحی پرداخت که شناسایی رژیم اسرائیل را مشروط به خروج این رژیم از سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷، شناسایی حق بازگشت فلسطینی‌ها و تشکیل کشور فلسطین به پایتختی بیت‌المقدس

ممکن می‌ساخت (علیخانی، ۱۴۰۱: ۱۰۱). طرحی که با مخالفت برخی کشورهای اسلامی و گروه‌های فلسطینی همراه شد. با این حال، این کشور به حمایت از روند صلحی پرداخت که از مادرید آغاز و تا به امروز تداوم یافته است.

نقطه عطف سیاست عربستان در قبال منازعه تاریخی خاورمیانه به سال ۲۰۰۲ باز می‌گردد. پس از دوره‌ای کوتاه از چالش در روابط ریاض-واشنگتن به واسطه اتهام ترویج افراط‌گرایی از سوی مقام‌های آمریکایی در پی مشارکت اتباع سعودی در حملات ۱۱ سپتامبر، شاهزاده عبدالله در سال ۲۰۰۲، در جهت بازبایی نقش سعودی در نزد ایالات متحده و ارائه یک چهره میانه‌رو، اقدام به ارائه «ابتکار صلح عربی» در اجلاس سران اتحادیه عرب کرد. این اقدام که یکی از تحولات مهم سیاست خارجی عربستان محسوب می‌شد، رویکرد جدیدی در ارتباط با رژیم اسرائیل قلمداد گشت. براساس این طرح، اسرائیل می‌بایست از تمام سرزمین‌های اشغالی سال ۱۹۶۷ شامل بلندی‌های جولان، نوار غزه، کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی خارج می‌شد، تا شرایط برای تاسیس یک دولت مستقل فلسطینی تسهیل شود. در مقابل، این طرح عادی‌سازی روابط کشورهای عرب با اسرائیل را وعده داده بود (کاستینر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۳۵۵-۳۵۴). اگر چه اسرائیل این طرح را رد کرد (ابراهیم<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳). اما از این مقطع، «ابتکار صلح عربی» به سیاست رسمی ریاض و مبنای اظهارنظر مقام‌های سعودی در قبال این منازعه تاریخی بدل شد. طرحی که در امتداد طرح فهد ۱۹۸۱ اما با پشتوانه سران اتحادیه عرب بود.

## ۲-۱- سیاست جدید عربستان سعودی

دگرگونی در نظم منطقه‌ای پس از تحولات سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶ که با قدرت‌یابی شیعیان در عراق و ناکامی رژیم اسرائیل در برابر حزب‌الله لبنان همراه بود، ناآرامی‌های جهان عرب در سال ۲۰۱۱، مبارزه با تروریسم داعش در عراق و سوریه، قدرت‌یابی حوثی‌ها در یمن، در تلاقی با روند واگرایی در مناسبات تهران-ریاض و در نهایت قطع روابط در سال ۱۳۹۴، و افزایش چالش بر سر برنامه هسته‌ای ایران، به نزدیکی پنهانی بیش از پیش ریاض و تل‌آویو متناز از نگرانی‌های مشترک نسبت به موقعیت جدید ایران در منطقه انجامید. در این زمان، ایالات متحده به مثابه اهرمی ساختاری بر فشارها در جهت تبدیل محور غیررسمی عربی-غربی-عبری در برابر ایران، به عاملی برای عادی‌سازی مناسبات اعراب محافظه‌کار و رژیم اسرائیل افزود.

1. Kostiner  
2. Ebrahim



در این میان، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا طرح صلحی با نام «معامله قرن»<sup>۱</sup> را در بهار ۲۰۱۹ اعلام کرد. مطابق این طرح، ضمن شناسایی رژیم اسرائیل، حاکمیت آن بر ۳۰ درصد کرانه باختری و شهرک‌ها مورد موافقت قرار گرفته، و قدس پایتخت بلامنازع این رژیم می‌شود. علاوه بر این، برخی شروط ایجاد دولت فلسطین شامل خلع سلاح حماس و تبدیل غزه به منطقه عاری از سلاح و شناسایی مرزهای جدید رژیم اسرائیل بودند. در این طرح، اعراب خلیج فارس ضمن شناسایی این رژیم، تعهدهایی را برای اجرایی شدن معامله قرن متقبل می‌شدند. با وجود انتقادات و مخالفت‌های ایران، ترکیه، تشکیلات خودگردان، حماس، حزب‌الله و...، وزارت خارجه عربستان در بیانیه‌ای به استقبالی از این طرح و حمایت از «تلاش‌های دونالد ترامپ برای ایجاد صلح» پرداخت (یورونیوز، ۲۰۲۰). مضمون طرح چنان یک‌سویه به سود اسرائیل بود که حتی طرفداران این رژیم در آمریکا نیز از آن انتقاد کردند. برای مثال، توماس فریدمن در مقاله‌ای با کاربرد تعبیری تند برای بنیامین نتانیاهو و محمد بن سلمان پرسید آیا این طرحی در مورد دو دولت برای دو ملت است یا تفریحی برای دو رهبر؟ (موسویان، ۱۴۰۲: ۵۵-۵۴).

یک هفته قبل از امضای توافق‌نامه‌های ابراهیم میان رژیم اسرائیل با امارات و بحرین در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰، ملک سلمان، پادشاه عربستان در گفت‌وگویی تلفنی با ترامپ، با قدردانی از تلاش او برای پیشبرد صلح، گفت: «عربستان مشتاق دستیابی به یک راه‌حل عادلانه و دائمی برای مسئله فلسطین است، و نقطه شروع اصلی آن، طرح صلح عربی ۲۰۰۲ این کشور است». یعنی برقراری روابط کشورهای عربی با تل‌آویو در ازای عقب‌نشینی کامل این رژیم از سرزمین‌هایی ۱۹۶۷ و تشکیل دولت مستقل فلسطینی (گاردین،<sup>۲</sup> ۲۰۲۰). دلیل این موضع «اعلامی»، مخالفت یکپارچه گروه‌های فلسطینی و تعداد قابل توجهی از کشورهای اسلامی با طرح ترامپ بود. عربستان فارغ از تلاش‌های «عملی» که برای پیشبرد معامله قرن صورت می‌داد، در پی آن بود تا مانع از آسیب به جایگاه خود در جوامع عربی و اسلامی شود. با این حال، بسترسازی سعودی برای تلطیف فضای افکار عمومی در ارتباط با رژیم اسرائیل تداوم یافت.

پس از عادی‌سازی روابط تل‌آویو با ابوظبی و منامه در دسامبر ۲۰۲۰، فیصل بن فرحان، وزیر خارجه سعودی خبر داد که کشورش برای عادی‌سازی کامل روابط با رژیم اسرائیل آماده است، اما برای اینکه این اتفاق بیافتد و پایدار باشد، باید کشور فلسطینی‌ها تشکیل شود (بلاندچارد،<sup>۳</sup>

1. Trump's 'Deal of the Century'  
2. The Guardian  
3. Blanchard



۲۰۲۱: ۴۷). در واقع، در این مقطع با وجود اینکه سیاست رسمی و اعلامی سعودی تاکید بر تحقق راه‌حل دو دولتی برای برقراری روابط با رژیم اسرائیل بود اما ریاض از هیچ اقدامی برای پیشبرد روند عادی‌سازی فروگذار نکرد. ضمن اینکه محمد بن سلمان به حمایت از تصمیم ابوظبی و منامه برای عادی‌سازی پرداخت. از پیامدهای این عادی‌سازی، گسترش همکاری‌های امنیتی میان اسرائیلی‌ها و کشورهای سنی منطقه بود اقدامی که نمی‌توانست بدون نظر عربستان باشد (کوک و ایندیک، ۲۰۲۲: ۱۸).

در دوره «سلمان»ها و در بحث عادی‌سازی روابط، ریاض دو رویکرد کلی را تا واقعه هفتم اکتبر به‌ویژه در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ دنبال کرد. در سطح «سیاست رسمی و اعلامی»، پادشاه سعودی از جایگاه رهبری عربی-اسلامی، با پایبندی به طرح صلح عربی ۲۰۰۲، تشکیل دولت فلسطینی را شرط برقراری مناسبات با رژیم اسرائیل اعلام می‌کرد، اما در «سیاست عملی»، محمد بن سلمان به محرک پیشبرد طرح معامله قرن و تسریع در فرآیند عادی‌سازی روابط اعراب منطقه بدل شد. در این بین، در تحولی جدید، سعودی این بار نه در «اعلام» که در «عمل» بر منافع خاص خود و نه الزامات حقوق فلسطینیان و شروط طرح صلح ۲۰۰۲ برای عادی‌سازی تاکید داشت. این شروط متمرکز بر دریافت مجوز ایالات متحده برای برخورداری از توانمندی هسته‌ای و نیز انعقاد یک موافقت‌نامه امنیتی مبتنی بر تعهد دفاعی واشنگتن در قبال ریاض بود. در واقع آنچه مانع عادی‌سازی در دوره نخست ترامپ شد عدم تحقق دو شرط سعودی (چرخه سوخت و تضمین امنیتی) به‌عنوان «سیاست جدید» و «اعمالی» ریاض بود.

### ۳-۱- روند عادی‌سازی و عملیات طوفان الاقصی

در هفتم اکتبر ۲۰۲۳، حماس و گروه‌های مقاومت فلسطینی حمله‌های غافلگیرانه‌ای به اراضی اشغالی را آغاز کردند که به عملیات طوفان الاقصی مشهور شد. اگرچه در بیان انگیزه‌ها و دلایل اجرای این عملیات می‌توان به اشغال تاریخی قلمرو فلسطین و ناکارآمدی سازوکارهای مختلف برای احقاق حقوق فلسطینیان توجه کرد، اما این واقعه در این مقطع زمانی متأثر از بسترسازی برای عادی‌سازی و آشکارسازی قریب‌الوقوع روابط ریاض-تل‌آویو بود. از دلایل قریب‌الوقوع بودن این عادی‌سازی در این مقطع می‌توان به این موارد اشاره کرد:



### ۱) تغییر ادبیات مقامات ارشد و روحانیون سعودی نسبت به رژیم اسرائیل

در خصوص تلاش برای بسترسازی عادی‌سازی، می‌توان به چند نمونه اشاره کرد. در سال ۲۰۱۷، مفتی اعظم سعودی با محکوم کردن جنگ علیه اسرائیل، حماس را سازمانی تروریستی توصیف کرد. این موضع‌گیری سبب شد وزیر ارتباطات اسرائیل با تمجید از مفتی اعظم از او برای دیدار از اسرائیل دعوت رسمی کند (موسویان، ۱۴۰۲: ۹۱). در آوریل ۲۰۱۸ هم ولیعهد سعودی گفت اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها حق دارند در کشورهای خود زندگی کنند (بلاندچارد، ۲۰۲۱: 46). محمد بن سلمان همچنین به نشریه آتلانتیک گفت در صورت برقراری صلح، بین اسرائیل و شورای همکاری خلیج فارس زمینه‌های همکاری مشترک زیادی وجود خواهد داشت (گولبرگ، ۲۰۱۸). در سپتامبر ۲۰۲۰ نیز خطبه‌های عبدالرحمن السدیس، امام جمعه مسجدالحرام در توصیه به پرهیز از نگاه احساسی و خشم‌آلود به یهودیان به منزله تغییر لحن جدید در سعودی بود.

در مهمترین تحول، ولیعهد سعودی در سپتامبر ۲۰۲۳ و دو هفته پیش از اجرای عملیات طوفان الاقصی برای نخستین بار آشکارا گفت که کشورش هر روز به دستیابی به توافق عادی‌سازی روابط با اسرائیل «نزدیک‌تر» می‌شود. او با بیان اینکه پیمان با اسرائیل «بزرگترین توافق تاریخی از زمان جنگ سرد» خواهد بود، در مورد خواسته‌های پادشاهی برای عادی‌سازی روابط، صرفاً به ابراز امیدواری پرداخت که این توافق «به‌جایی برسد که زندگی فلسطینی‌ها را آسان‌تر کند». در واقع بن‌سلمان درخواست برای تأسیس یک کشور فلسطینی که دو دهه موضع رسمی ریاض بود، کوتاه آمد. او افزود که می‌خواهد اسرائیل را به‌عنوان «بازیگری در خاورمیانه» ببیند (ابراهیم، ۲۰۲۳).

### ۲) کاهش محدودیت‌های سفر و حمل‌ونقل

در پی اعلام ابعاد سیاسی طرح معامله قرن، اسرائیل اعلام کرد با پدیدار شدن نشانه‌های گشایش در روابط با سعودی، شهروندانش می‌توانند برای نخستین بار به عربستان سفر کنند. همچنین به‌دنبال سفر جرد کوشنر به عربستان در ۳۰ نوامبر ۲۰۲۰، اعلام شد سعودی در راستای اجرای توافق عادی‌سازی روابط رژیم اسرائیل با امارات متحده عربی، بحرین و سودان، با عبور هواپیماهای تجاری و مسافری این رژیم به مقصد امارات از حریم هوایی خود موافقت می‌کند



علیخانی، ۱۴۰۱: ۳۶۶). در جولای ۲۰۲۲ نیز جو بایدن از بازگشایی حریم هوایی عربستان بر روی پروازهای رژیم اسرائیل خبر داد (رویترز<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲).

### ۳) دیدارهای آشکار و پنهان مقام‌های دو کشور

پس از انتشار اخبار غیررسمی سفر برخی مقامات تل‌آویو و سپس اخبار رسمی سفر هیات‌های تجاری این رژیم به عربستان، در سپتامبر و اکتبر ۲۰۲۲، دو وزیر گردشگری و ارتباطات اسرائیل برای شرکت در دو اجلاس بین‌المللی به سعودی سفر کردند. رخدادی که با انتقاد تند حماس و جهاد اسلامی فلسطین همراه شد. این واکنش‌ها درحالی‌بود که دو سال پیش از آن، وال‌استریت‌ژورنال از دیدار پنهانی بنیامین نتانیاهو و رییس موساد با محمدبن‌سلمان در حضور پمپئو، وزیر خارجه وقت آمریکا در نئوم عربستان خبر داده بود. باوجود رد این رویداد توسط وزیر خارجه سعودی و بیان اینکه تنها مقام‌های ریاض و واشنگتن در این نشست حاضر بودند، اما یک وزیر کابینه نتانیاهو این دیدار را تایید کرد. نخست‌وزیر اسرائیل نیز بدون انکار این نشست گفت درخصوص چنین مواردی سکوت می‌کند. براساس روایت این روزنامه آمریکایی به‌نقل از مقام‌های سعودی، بن‌سلمان و نتانیاهو در این دیدار درباره موضوعات عادی‌سازی روابط و ایران گفت‌وگو کرده بودند اما توافقی میان آنها حاصل نشده بود (شوارتز و سعید<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰).

### ۴) تداوم تلاش‌های آمریکا در دوره بایدن برای پیوستن عربستان به عادی‌سازی

دیدارها و رایزنی‌های مقام‌های دولت بایدن و عربستان برای تحقق عادی‌سازی همچون گذشته استمرار داشت. ازجمله پس از اعلام سفر جو بایدن به این کشور که پس از بحران اوکراین و با اولویت افزایش تولید نفت مطرح شد، روزنامه «اسرائیل هیوم» گزارش داد که علاوه بر مسئله نفت، پیشبرد عادی‌سازی نیز در دستورکار این سفر می‌باشد. بااین‌حال، آنچه به‌صورت رسمی از سفر منتشر شد اظهارنظر رئیس‌جمهور آمریکا درخصوص بازگشایی حریم هوایی عربستان بر روی پروازهای اسرائیلی به‌عنوان نخستین گام بزرگ در راستای عادی‌سازی بزرگ‌تر روابط ریاض-تل‌آویو بود (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۱).

در اوائل سال ۲۰۲۳ نیز در ادامه رایزنی‌های واشنگتن-ریاض، بلینکن، وزیر خارجه وقت آمریکا گفت که دو کشور به یک توافق در حوزه همکاری‌های امنیتی و دفاعی به‌منظور تحقق

1. Reuters  
2. Schwartz and Said



عادی‌سازی روابط ریاض-تل‌آویو نزدیک شده‌اند. جزئیات غیررسمی منتشر شده از این توافق بیان می‌کند عربستان در قبال دریافت تسلیحات نوین، عقد یک پیمان دفاعی با هدف تضمین‌های امنیتی و کمک آمریکا به ساخت برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، عادی‌سازی روابط با اسرائیل را عملی خواهد کرد (وال استریت زورنال<sup>۱</sup>، ۲۰۲۳). به این علت بود که فایننشال تایمز بعداً نوشت: ریاض پیش‌از حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، در آستانه یک توافق سه‌جانبه با دولت بایدن بود. این پادشاهی در ازای پیمان دفاعی با آمریکا و کمک به برنامه هسته‌ای خود، با برقراری روابط دیپلماتیک رسمی با اسرائیل موافقت می‌کرد (فایننشال تایمز، ۲۰۲۵).

### ۵) پیگیری سیاست کاهش تنش در منطقه از سوی ریاض

عربستان در امتداد احیای روابط دیپلماتیک با قطر و ایران، در پی تسری این تعاملات به عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل بود. ضمن اینکه به‌عنوان یکی از انگیزه‌های سعودی‌ها برای احیای روابط با ایران با میانجیگری چین، می‌توان کاهش تبعات عادی‌سازی را به‌واسطه تعهدات دو کشور در زمان احیای روابط از جمله اصل عدم‌دخالت در امور داخلی یکدیگر مورد اشاره قرار داد. چراکه برقراری روابط ریاض-تل‌آویو در زمان برقراری مناسبات تهران-ریاض، چالش‌های مشروعیتی و امنیتی بسیار کمتری برای سعودی داشت.

براین اساس از منظر نگارنده، این عادی‌سازی قریب‌الوقوع به محرک اصلی اجرای عملیات طوفان‌الاقصی در این مقطع بدل گردید. در چرایی این ادعا می‌توان به دو مسئله اشاره کرد:

### نخست) احتمال منتفی شدن تشکیل کشور مستقل فلسطینی

در صورت تحقق عادی‌سازی مناسبات ریاض-تل‌آویو، امکان تحقق کشور مستقل فلسطینی به میزان زیادی دور از دسترس شده و در عمل، از دستور کار مذاکرات صلح خارج می‌شد. چراکه وقتی تل‌آویو شرط اساسی اعراب محافظه‌کار یعنی تحقق ایده دو دولتی که در تمام طرح‌های روند صلح از حمایت اعلامی ایالات متحده، اروپا و سایر قدرت‌های بزرگ و نیز پشتوانه قطعنامه‌های شورای امنیت برخوردار بود را برای عادی‌سازی نپذیرفته بود، با تحقق این عادی‌سازی، با افزایش نفوذ و تسلط راست‌گرایان در ساختار قدرت اسرائیل، این رژیم دیگر در مواجهه با اعراب هیچ الزام و اجباری در جهت پذیرش کشور مستقل فلسطینی نداشت (علی‌خانی، ۱۴۰۳: ۱۳).

کشورهای اسلامی و عرب به روندی بازگشت‌ناپذیر در منازعه تاریخی خاورمیانه و گامی بلند در جهت پذیرش بیشتر تل‌آویو در نزد دولت‌های عرب بدل می‌گشت.

**دوم) اظهارات مقام‌های آمریکایی و اسرائیلی در خصوص انگیزه‌های واقعه هفتم اکتبر**  
 جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۰ اکتبر ۲۰۲۳ گفته بود از نظر او انگیزه واقعه هفتم اکتبر جلوگیری از روند عادی‌سازی بوده چون «سعودی‌ها می‌خواستند اسرائیل را به رسمیت بشناسند». بلینکن، نیز قبل از او در ۸ اکتبر مختل کردن تلاش‌ها برای نزدیک کردن عربستان و اسرائیل را از انگیزه‌های این واقعه دانسته بود (رویترز، ۲۰۲۳). او در گفتگوی دیگری تاکید کرد قرار بوده در دهم اکتبر توافقی بالقوه در این‌باره نهایی شود. علاوه بر اینها، تنایاهو در مهر ۱۴۰۳ در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «ما قبل از عملیات حماس در آستانه دسترسی به توافق بر سر عادی‌سازی روابط با عربستان بودیم» (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۳). نتومی نیومن، رئیس‌پیشین آژانس امنیت داخلی اسرائیل هم درخصوص انگیزه‌های احتمالی این عملیات به کند کردن روند عادی‌سازی اشاره کرده بود (فرانس ۲۴، ۲۰۲۳).

### ۱-۳-۱- روند عادی‌سازی؛ امکان یا امتناع

نزدیکی روزافزون و پنهانی میان عربستان و رژیم اسرائیل فارغ از تلاش‌های مستمر و تاریخی آمریکا برای به نتیجه رساندن روند صلح خاورمیانه، تا قبل از احیای روابط تهران-ریاض در سال ۱۴۰۱، از منظر سعودی بیشتر بر این منطبق بود که علاوه بر کسب امتیازات خاص از ایالات متحده، ضمن ایجاد یک جبهه جدید عربی-عبری در برابر ایران، توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را از حوزه مدیترانه بر مسائل منطقه خلیج فارس و نقش تهران متمرکز ساخته و نظم و موازنه جدیدی را شکل دهد. البته همراهی سعودی در دوره محمد بن سلمان با این روند متأثر از نقش‌آفرینی جرد کوشنر، داماد ترامپ، دو انگیزه دیگر هم داشت؛ توأمان تثبیت موقعیت بن‌سلمان در ساختار قدرت عربستان و نیز به‌عنوان یک متحد همراه در نزد ترامپ. در مقابل، منطق پیگیری روند عادی‌سازی پس از احیای روابط ریاض-تهران نیز در کنار کسب تضمین‌های ساختاری امنیتی، تداوم بهبود روابط عربستان با بازیگران کلیدی منطقه به‌عنوان بسترهای ضروری پیشبرد چشم‌انداز توسعه ۲۰۳۰ سعودی بود. منطقی که عملیات هفتم اکتبر نیز آن را تغییر نداده است.



از منظر نگارنده، اجتناب ناپذیری تحقق این عادی‌سازی ناشی از آن است که اگر در گذشته در سطح داخلی و منطقه‌ای برداشت مشترک تهدید از ایران یا «متغیر امنیتی» مولفه تعیین کننده این روند بود، اما در ادامه، منطق پیگیری روند عادی‌سازی چه پس از احیای روابط ریاض با تهران و چه پس از هفتم اکتبر، برجستگی «متغیر اقتصادی» بود.

## ۲- تحولات جنگ غزه و تغییر رویکرد عربستان سعودی؛ افکار عمومی و تهدیدات جدید

پس از اجرای عملیات طوفان الاقصی اگرچه در ابتدا عربستان سعودی مواضع محتاطانه‌ای در خصوص مسئله عادی‌سازی اتخاذ کرد اما در ادامه مواضع علنی و رسمی این کشور نسبت به رژیم اسرائیل سخت‌تر گردید. این درحالی بود که ریاض از برخی تحولات مرتبط با جنگ غزه یا مصادف با آن چون آسیب جدی به حماس، ضربات به حزب‌الله لبنان، سقوط بشار اسد در سوریه، حمله به حوثی‌ها، و در مجموع برداشت تضعیف محور مقاومت منطقه رضایت داشته، و آن را در جهت تغییر موازنه‌ای می‌دانست که به سود ایران رقم خورده بود. به‌ویژه آنکه محور مقاومت در پی آن بود تا با سیاست‌های مستقل، نظام سلطه با محوریت ایالات متحده را نقد کند درحالی که محور محافظه‌کار منطقه متحد آمریکا محسوب می‌شد (ترابی‌اقدم و بختیاری، ۱۴۰۱: ۱۳۵-۱۳۴).

در یکی از نخستین مواضع سعودی، ولیعهد این کشور در اجلاس عربی-آفریقایی در ریاض در نوامبر ۲۰۲۳ «تجاوز نظامی و هدف قرار گرفتن غیرنظامیان از سوی رژیم اسرائیل را محکوم کرد» (نار<sup>۱</sup>، ۲۰۲۳). او یک‌روز بعد در نشست سران کشورهای عربی و اسلامی در ریاض گفت: «تنها راه رسیدن به صلح و امنیت در منطقه، تامین حقوق مشروع مردم فلسطین و پایان اشغالگری و شهرک‌سازی‌های غیرقانونی اسرائیل و رفع محاصره نوار غزه است» (اسپوتنیک، ۲۰۲۳). وخامت وضعیت غزه و تحولات مرتبط با آن موجب شد تا مواضع رسمی عربستان بر تاکید مجدد به ابتکار صلح ۲۰۰۲ متمرکز شود. این سیر تحول موجب شد تا ریاض گام را فراتر نهاده و در مواضع پی‌درپی ضمن تاکید بر لزوم تشکیل کشور مستقل فلسطینی، در نهایت آن را «موضعی محکم، استوار و تزلزل‌ناپذیر» بیان کند. از جمله در ۵ فوریه ۲۰۲۵ وزارت خارجه سعودی در بیانیه‌ای به نقل از ولیعهد اعلام کرد: «عربستان کار خستگی‌ناپذیر خود برای تأسیس کشور مستقل فلسطینی با پایتختی بیت‌المقدس شرقی را متوقف نخواهد کرد و بدون آن، این



پادشاهی روابط دیپلماتیک با اسرائیل برقرار نخواهد ساخت» موضعی که از نظر این بیانیه قابل مذاکره و چانه‌زنی نبود (آسوشیتدپرس، ۲۰۲۵).

در بررسی مواضع ریاض پیش‌از واقعه هفتم اکتبر و نیز در جریان جنگ غزه، برخلاف اظهار نظر محمد بن سلمان در سپتامبر ۲۰۲۳ (دو هفته قبل از عملیات هفتم اکتبر)، و مواضع محتاطانه سعودی در قبال عادی‌سازی از جمله منوط ساختن تحقق آن به آتش‌بس یا عدم ورود رژیم اسرائیل به غزه، تحول مهم، برجستگی مجدد شرط تشکیل کشور فلسطینی (به‌عنوان سیاست سنتی) برای عادی‌سازی آن‌هم به‌عنوان موضعی غیرقابل چانه‌زنی است. البته ترامپ در واکنش مدعی شد تشکیل دولت فلسطینی شرط الزامی عربستان نیست. علاوه بر این باید تاکید کرد با وجود نفع ریاض از حملات به محور مقاومت و حتی برخی هماهنگی‌های محتمل با آمریکا در این جنگ، این کشور تلاش کرد دیپلماسی گسترده دو و چندجانبه‌ای در قالب اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله رهبری مشترک با فرانسه بر «کنفرانس بین‌المللی راه‌حل دو دولتی»<sup>۲</sup> در مقر سازمان ملل<sup>۳</sup> در مواجهه با جنگ غزه را دنبال کند. این رویکرد دیپلماتیک حتی با انتقاد از انفعال سازمان ملل متحد و شورای امنیت همراه شد و مطالبه پی‌درپی از قدرت‌های غربی از جمله رایزنی‌های فشرده با ایالات متحده درباره شرایط غزه را به‌همراه داشت.

## ۱-۲- متغیرهای اثرگذار بر تغییر رویکرد ریاض

تغییر رویکرد ریاض و عقب‌نشینی از عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل پیش‌از تشکیل کشور مستقل فلسطینی، از منظر این پژوهش متاثر از دو متغیر عمده قابل ارزیابی است:

### ۱-۱-۲- اثرپذیری از افکار عمومی ملی و فراملی متأثر از جنایات گسترده رژیم صهیونیستی و بازنمایی رسانه‌ای آن

از زمان آغاز منازعه تاریخی خاورمیانه تا پیش‌از واقعه هفتم اکتبر دو جریان و نگاه متفاوت نسبت به مسئله فلسطین وجود داشته است؛ نخست، نگاه «قومی» مبتنی بر عنصر «عربیت» که در ابتدا

1. The Associated Press

2. Conference on the Implementation of the Two-State Solution

۳. کنفرانس بین‌المللی برای اجرای راه‌حل دودولتی براساس قطعنامه دسامبر ۲۰۲۳ مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۲۸ تا ۳۰ جولای ۲۰۲۵ در نیویورک برگزار شد. از جمله اهداف این کنفرانس ایجاد یک چارچوب بین‌المللی و جلب حمایت برای خلع سلاح حماس، آزادی گروگان‌ها در غزه، اصلاح تشکیلات خودگردان فلسطین و در نهایت بررسی راه‌حل دو دولت فلسطینی-اسرائیلی بود.



جریان پان‌عربیسیم، و پس از انقلاب اسلامی ۵۷، اعراب محافظه‌کار آن‌را دنبال می‌کردند. دوم، نگاه «اسلامی» که در ابتدا محافظه‌کاران منطقه در برابر پان‌عربیسیم بر آن تاکید داشتند اما پس از انقلاب، این نگاه معرف مواضع جمهوری اسلامی ایران و موجب گسترده شدن قلمرو بازیگران این منازعه شد. جنگ غزه و جنایات گسترده رخ داده از سوی رژیم اسرائیل، سبب گردید تا هم مولفه جدید «افکار عمومی» و هم جریان تازه‌ای مبتنی بر نگاه «انسانی» در سطح جهانی پدیدار شود. به‌طور مشخص اثر این دو مولفه بر توده‌های عرب و مسلمان، حساسیت و توجه مجدد آن‌ها به مسئله فلسطین بود.

### ۱-۱-۱-۲- پیامدهای بازنمایی رسانه‌ای تحولات جنگ غزه

اقدامات جنایتکارانه رژیم اسرائیل در جریان جنگ غزه و نقض گسترده قواعد حقوق بشردوستانه و مخاصمات به‌ویژه در هدف قراردادن غیرنظامیان و کشتار ده‌ها هزار نفر از مردم بی‌دفاع، آوارگی جمعیت این سرزمین و اعمال سیاست گرسنگی، تخریب وسیع زیربنای اساسی و غیرنظامی و مناطق مسکونی غزه، واکنش‌های تند در جوامع عربی و اسلامی منطقه از جمله در عربستان و حتی پایتخت‌های مهم در غرب را به‌همراه داشت. این موضوع حتی به برخی رویکردهای انتقادی اعلامی از سوی سران اروپایی و عربی نسبت به اسرائیل برای پاسخ به افکار عمومی خود انجامید. این واکنش‌ها متاثر از بازنمایی رسانه‌ای<sup>۱</sup> جنایات رخ داده در غزه و جلب مجدد توجه افکار عمومی به مسئله فلسطین و مطالبه «حق تعیین سرنوشت فلسطینیان» از یک‌سو، و نیز نقش رژیم اسرائیل از سوی دیگر بود. در این خصوص می‌توان به چند نظرسنجی معتبر در خصوص نگاه افکار عمومی در کشورهای عربی از جمله عربستان اشاره کرد:

نخستین نمونه، نظرسنجی منتشره در دسامبر ۲۰۲۳ توسط موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک<sup>۲</sup> با نمونه ۱۰۰۰ شهروند عربستانی از ۱۴ نوامبر تا ۶ دسامبر است که نشان داد پس از اقدامات نظامی اسرائیل در غزه، ۹۶٪ از شهروندان سعودی معتقد بودند که «کشورهای عربی باید فوراً تمام ارتباطات دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی‌شان را با اسرائیل قطع کنند». با وجود نگاه

۱. رویکرد رسانه‌های عربی که به اثرگذاری بالا بر مخاطبان خود انجامید شامل این موارد بوده‌اند: تاکید بر امت عربی و اسلامی و آرمان فلسطین، ارائه گزارش‌های خبری میدانی، آماری و احساسی از بیمارستان‌ها، کودکان و اماکن غیرنظامی هدف قرار گرفته (رویکرد انسانی)؛ بهره‌گیری از کارشناسان حقوقی، نظامی و حقوق بشری (تحلیلی)، تصویرسازی و روایت متجاوز-قربانی، به حاشیه راندن روایت رسمی اسرائیلی از جنگ با محوریت شبکه الجزیره و....

۲. این اندیشکده از ارکان اصلی لابی اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا است.

منفی به حماس در نزد حاکمان عرب و عربستان، و نیز تصویر منفی از این گروه در رسانه‌های و افکار عمومی سعودی، اما طبق این نظرسنجی، اکثریت قریب به اتفاق سعودی‌ها (۹۵٪) معتقد بودند حماس در عملیات خود به قتل غیرنظامیان نپرداخته است. ضمن اینکه جنگ موجب افزایش ۳۰ درصدی نگرش مثبت نسبت به حماس، از تنها ۱۰٪ در ماه اوت به ۴۰٪ در نوامبر/دسامبر، شده بود. همچنین تنها ۵٪ شهروندان سعودی موافق بودند که «ما باید احترام بیشتری به یهودیان نشان داده و روابط خود را با آن‌ها بهبود ببخشیم». نکته مهمتر، تغییر نظرها به روابط اقتصادی با اسرائیل از زمان توافق‌نامه‌های ابراهیم بود. پس از سال‌ها افزایش تدریجی از ۳۷٪ در سال ۲۰۲۰ به ۴۳٪ در نوامبر ۲۰۲۲، موافقت با این پیمان پس از جنگ غزه به ۱۷٪ کاهش یافت (کیولند و پولاک<sup>۱</sup>، ۲۰۲۳). نیویورک‌تایمز در تحلیل این نظرسنجی نوشت: این یافته‌های چالش قابل توجهی را در برابر فشار دولت بایدن برای ایجاد روابط عربستان با اسرائیل و محدودیت‌هایی برای محمد بن سلمان ایجاد می‌کند (فلسطین کرونیکل<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳).

دوم، براساس نتایج نظرسنجی مرکز تحقیقات و مطالعات سیاسی عرب درباره جنگ غزه بر روی ۸۰۰۰ شهروند در ۱۶ کشور عربی از جمله عربستان سعودی که در ژانویه ۲۰۲۴ منتشر شد، یافته‌های قابل توجهی ظاهر شد که اهم آن در جدول شماره یک می‌آید.

### جدول ۱. یافته‌های نتایج نظرسنجی مرکز تحقیقات و مطالعات سیاسی عرب

درصد	موضوع	توضیحات
۸۰٪	پیگیری منظم اخبار جنگ در رسانه‌ها	۵۴٪ از تلویزیون <sup>۳</sup> و ۴۳٪ از اینترنت
۳۵٪	*انگیزه‌های عملیات حماس:	این آمار برخلاف تصویر اسرائیلی درباره اثرپذیری عملیات حماس در هفتم اکتبر از اهداف خارجی <sup>۴</sup> است.
۲۴٪	اشغال سرزمین‌های فلسطینی دفاع در برابر هدف قرار دادن مسجدالاقصی	
۸٪	محاصره طولانی‌مدت غزه	

1. Cleveland and Pollock

2. Palestine Chronicle

۳. براساس یک گزارش، دو شبکه العربیه و الاخباریه سعودی و نیز الجزیره قطر و شبکه‌های ترکیه و روسیه در صدر رسانه‌های مورد توجه مردم عربستان بوده‌اند.

۴. تلاش مقام‌های اسرائیلی و چهره‌ها و رسانه‌های نزدیک به آنها بر این بود تا ایران را در پس این عملیات معرفی کنند. لیندزی گراهام، سناتور جمهوری خواه همانند مقام‌های اسرائیلی گفته بود: تصور اینکه حمله حماس بدون دخالت جمهوری اسلامی انجام شده باشد، خنده‌دار است (خلخالی و بیرجندی، ۱۴۰۳: ۳۰۳).

توضیحات	موضوع	درصد
	*مشروعیت عملیات حماس: مشروع تا حدودی مشروع مشروع همراه با اقدامات غیرمشروع	۶۷٪ ۱۹٪ ۳٪
درصد همبستگی با فلسطینیان به تنهایی ۹۲٪	همبستگی با فلسطینیان و حمایت از حماس	۶۹٪
نگاه مثبت به مواضع ایران، ترکیه، روسیه و چین و اینکه ۸۱٪ معتقدند آمریکا در تشکیل دولت فلسطینی جدی نیست	نگاه منفی به مواضع آمریکا و غرب در قبال جنگ غزه آمریکا و اسرائیل بزرگترین تهدید برای امنیت و ثبات منطقه هستند	بالغ بر ۸۰ و ۹۰٪ ۷۷٪
در عربستان این عدد از ۶۹٪ در سال ۲۰۲۲ به ۹۵٪ در سال ۲۰۲۴ افزایش یافت (تغییر اساسی دیدگاه مردم)	مسئله فلسطین مربوط به همه اعراب و نه فقط فلسطینیان است	۹۲٪
در عربستان این عدد از ۳۸٪ در ۲۰۲۲ به ۶۸٪ در ۲۰۲۴ رسید	اتفاق نظر افکار عمومی عرب در رد شناسایی اسرائیل	۸۹٪

(مرکز تحقیقات و مطالعات سیاسی عرب، ۲۰۲۵)

سوم، نتایج نظرسنجی‌های پروژه پژوهشی عرب بارومتر ۲۰۲۳-۲۰۲۴ بود که در ژوئن ۲۰۲۵ با تحلیل مجله فارن افرز<sup>۲</sup> منتشر شد و نشان داد حمایت از عادی‌سازی روابط با اسرائیل در سراسر خاورمیانه (غرب آسیا) و شمال آفریقا پس از جنگ غزه به شدت کاهش یافته است. نتایج و تحلیل این پروژه بر چند گزاره مهم نیز دلالت داشت: عمیق‌تر شدن حمایت از آرمان فلسطین و تشکیل کشور فلسطین، توصیف حمله‌های اسرائیل با عباراتی مانند «نسل‌کشی»، «قتل‌عام» یا «پاکسازی قومی» و کاهش شدید محبوبیت متحدان غربی اسرائیل. براساس تحلیل مایکل رابینز، مدیر بارومتر عرب، و آمانی جمال، رئیس دانشکده امور عمومی و بین‌المللی پرینستون بر این نظرسنجی، افکار عمومی منطقه هرچند ممکن است نتواند سیاست‌های عمده در کشورهای خود را تغییر دهند، اما می‌تواند توانایی دولت‌های غیردموکراتیک خود را محدود کند. چراکه رهبران

1. The Arab Center for Research and Policy Studies  
2. Foreign Affairs

عرب اگرچه تمایلی به چالش مستقیم با اسرائیل ندارند اما در عین حال نمی‌خواهند با واکنش‌های منفی مردم مواجه شوند (رابینز و جمال<sup>۱</sup>، ۲۰۲۵).

استفان والت دانشمند روابط بین‌الملل هم در برداشت خود از نظرسنجی‌ها در خصوص جنگ غزه در فارین‌پالیسی نوشت: نظرسنجی‌های افکار عمومی نشان می‌دهند که محبوبیت آمریکا در خاورمیانه به شدت کاهش یافته و وضعیت اروپا نیز افت کرده است. در مقابل، حمایت از چین، روسیه و ایران افزایش یافته است. به اعتقاد او آمریکا به دلیل جنگ غزه در حال باختن میدان به رقبای خود است (والت<sup>۲</sup>، ۲۰۲۴). جان مرشایمر دیگر دانشمند روابط بین‌الملل هم در خصوص جنگ غزه بر نکته‌ای تاکید می‌کند که نشان‌دهنده بعد دیگری از توجه جوامع عربی و اسلامی به مسئله فلسطین می‌باشد. او در مصاحبه‌ای با تاکر کارلسون گفت: آنچه در غزه اتفاق می‌افتد، فراتر از کشتار، تلاشی سیستماتیک توسط اسرائیل برای از بین بردن هویت ملی فلسطینیان است (مرشایمر<sup>۳</sup>، ۲۰۲۵).

این سه نظرسنجی برچند گزاره در خصوص مردم جوامع عربی و عربستان تاکید دارند: پیگیری مستمر رسانه‌ای اخبار جنگ غزه و اثرپذیری توده‌ها از آن، افزایش نگاه منفی به غرب و متحدان تل‌آویو، نگاه مثبت به کشورهای منتقد اسرائیل از جمله ایران، روسیه و چین، جلب توجه مجدد جوامع عرب و مسلمان به مسئله فلسطین و افزایش مخالفت‌ها با عادی‌سازی.

## ۲-۱-۲- برداشت تهدید از نیت رژیم اسرائیل در پی گسترش قلمرو جنگ غزه و دگرگونی در نظم منطقه‌ای

در کنار دو عامل «توجه سعودی به افزایش حساسیت ایران و به‌ویژه حوثی‌های یمن به عادی‌سازی روابط ریاض-تل‌آویو پس از جنگ غزه بدون مدنظر داشتن حقوق فلسطینیان» و «توجه سعودی به اینکه نیاز به برقراری ثبات در منطقه، اتخاذ یک سیاست متعادل‌تر در ارتباط با فلسطین را طلب می‌کند»، متغیر مهم دیگری در پس تحولات جنگ غزه موجب تغییر رویکرد ریاض نسبت به مسئله عادی‌سازی شد. این متغیر، برداشت تهدید عربستان و اعراب از رژیم اسرائیل متأثر از سه رخداد مهم است:

### ۲-۱-۲-۱- چشم‌انداز ایجاد هژمونی منطقه‌ای با رویکرد تهاجمی تل‌آویو

1. Robbins and Jamal
2. Walt
3. Mearsheimer



نتانیاهو در طول جنگ غزه بارها از یک «خاورمیانه جدید» در دوران پساجنگ سخن می‌گفت. او در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل هم با دردست گرفتن دو نقشه، منطقه غرب آسیا را به دو محور «شرارت» (ایران، عراق، سوریه، لبنان و یمن) و «نعمت» (اعراب منطقه با برجستگی عربستان و مصر) تقسیم کرد. از منظر او نابودی حماس و تضعیف ایران با تداوم روند عادی‌سازی به «تغییر موازنه» و در نتیجه یک «نظم جدید» می‌انجامید. اما تحولات بعدی جنگ و تصور نتانیاهو مبتنی بر ویرانی غزه و نابودی حماس، تضعیف حزب‌الله، سقوط بشار اسد در سوریه، انفعال عراق، چالش به حوثی‌ها و پیامدهای جنگ ۱۲ روزه با ایران موجب شد تا این بار این رژیم با پشتیبانی آمریکا در پی برقراری نظمی جدید نه مبتنی بر توازن قوا، بلکه تسلط و تفوق کامل بر رقبا و دشمنان و حتی دوستان پنهانی خود در منطقه برآید.

با وجود اینکه یکی از انگیزه‌های مشترک ریاض-تل‌آویو در همسویی رویکردها و سپس پیگیری عادی‌سازی مواجبه با آنچه تهدید تهران می‌خواندند بود، و از این منظر یکی از ذی‌نفعان انفعال یا تضعیف اعضای محور مقاومت منطقه به واسطه اثرگذاری بر موازنه منطقه‌ای و موقعیت ایران، عربستان خواهد بود، اما در عین حال ریاض خواهان تسلط اسرائیل بر منطقه نیست و آن را در چارچوب منافع خود نمی‌داند. در واقع، عربستان در پی نظمی است که در تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰، نه در تنش با ایران و اسرائیل، و نه ذیل قدرت مسلط آن‌ها در منطقه باشد (علیخانی، ۱۴۰۳: ۱۵). به این دلیل با وجود همراهی محتمل و پنهانی ریاض با واشنگتن برای تغییر موازنه مطلوب ایران و متحدانش، نمی‌توان این امر را به منزله موافقت این کشور با تسلط اسرائیل بر منطقه دانست. سعودی در پی یک موازنه قدرت مطلوب بدون برتری ایران یا اسرائیل است. از این منظر، گسترش قلمرو جنگ از سوی نتانیاهو و سیاست‌های سلطه‌جویانه تل‌آویو موجب برانگیخته شدن حساسیت و نگرانی‌های ریاض شده است.

## ۲-۱-۲-۲- موضوع اخراج فلسطینیان از غزه و سخنان نتانیاهو درباره عربستان

دومین موضوع، پیگیری طرح اخراج فلسطینیان از غزه و استقرار آنها در کشوری دیگر از سوی رژیم اسرائیل بود. در این رابطه پس از بیانیه وزارت خارجه عربستان در خصوص ضرورت تشکیل کشور فلسطین برای عادی‌سازی، و «غیرقابل مذاکره» خواندن این سیاست، نتانیاهو در جریان گفتگویی تلویزیونی با رد این شرط در پاسخ به مجری گفت: سعودی‌ها اراضی خالی گسترده‌ای دارند و می‌توانند کشور فلسطین را آنجا بنا کنند. او با اشاره به سه سال مذاکرات محرمانه با عربستان برای عادی‌سازی تاکید کرد: من هرگز توافقی که اسرائیل را به خطر بیاندازد امضا



نخواهم کرد. واکنش ریاض محکوم کردن این سخنان و رد استفاده از سرزمین این پادشاهی برای تأسیس کشور فلسطینی بود. همچنین وزارت خارجه سعودی، نتانیاهو را به تلاش برای «انحراف توجه» از «جنايات» اسرائیل در غزه، از جمله «پاکسازی قومی» متهم کرد. علاوه بر عربستان، اعضای شورای همکاری خلیج فارس، دبیرکل اتحادیه عرب و کشورهای اردن، مصر و عراق هم به حمایت از عربستان پرداختند و سخنان نتانیاهو را محکوم کردند (الجزیره<sup>۱</sup>، ۲۰۲۵).

نکته قابل توجه در واکنش به سخنان نخست‌وزیر اسرائیل این بود که پادشاهی سعودی تنها به موضع‌گیری رسمی و بهره‌گیری از فعالیت‌های دیپلماتیک برای محکوم‌سازی آن بسنده نکرد، بلکه یک «کمپین رسانه‌ای» رسمی علیه نتانیاهو به راه انداخت. در این رابطه شبکه خبری دولتی الاخباریه نتانیاهو را یک «صهیونیست و فرزند یک صهیونیست که افراط‌گرایی را به ارث برده» توصیف کرد و گفت: «اِشغال نه چهره خوب دارد و نه چهره زشت. فقط یک چهره دارد و آن نتانیاهو است». شبکه العربیه نیز یک گفتگو پخش کرد که در آن مجری با تردید درباره سلامت روانی نتانیاهو گفت: «شاید این سخنان یک توهم بوده است». روزنامه عکاظ هم اظهارات نخست‌وزیر اسرائیل را «احمقانه و مضحک» دانست. همچنین در شبکه‌های اجتماعی چهره‌های رسانه‌ای نزدیک به سعودی، نتانیاهو را «فاسد» نامیدند (فایننشال تایمز<sup>۲</sup>، ۲۰۲۵).

### ۳-۲-۱-۲-۳ اعلام چشم‌انداز «اسرائیل بزرگ‌تر» توسط نتانیاهو

این اصطلاح به مفهوم توسعه‌طلبانه‌ای شامل بیت‌المقدس شرقی، کرانه باختری، غزه، شبه‌جزیره سینا، بلندی‌های جولان و بخش‌هایی از اردن اشاره دارد. پیش از این جان مرشایمر در تحلیل اقدامات اسرائیل در جنگ غزه گفته بود اسرائیلی‌ها مدت‌هاست که قصد دارند فلسطینیان را از آنچه «اسرائیل بزرگ» می‌نامند، بیرون کنند (مرشایمر، ۲۰۲۵). واکنش وزارت خارجه عربستان در اوت ۲۰۲۵، رد «ایده‌ها و پروژه‌های شهرک‌سازی و توسعه‌طلبانه اسرائیل» و تأکید بر «حق قانونی مردم فلسطین برای ایجاد یک کشور مستقل و دارای حاکمیت در سرزمین‌های خود» بود. پادشاهی عربستان در شرایطی که کشورهای عرب منطقه نیز این مسئله را محکوم می‌کردند، هشدار داد نقض حاکمیت کشورها و تداوم اشغالگری اسرائیل موجب تهدید صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد (عرب‌نیوز<sup>۳</sup>، ۲۰۲۵). چند روز بعد، کابینه سعودی هم به ریاست

1. Aljazeera
2. Financial Times
3. Arabnews



محمد بن سلمان ایده «اسرائیل بزرگ» را به شدت محکوم کرد (عرب‌نیوز، ۲۰۲۵). در واقع ایده اسرائیل بزرگ گامی بلند در مسیر ایجاد هژمونی و تسلط منطقه‌ای است که نمی‌تواند مورد استقبال کشورهای عربی به خصوص ریاض قرار گیرد.

نتیجه اینکه واکنش افکار عمومی به فجایع گسترده انسانی در غزه و انزجار فراگیر از آن در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در کنار احساس تهدید نسبت به نیات دولت راستگرایی نتانیاهاو از سوی سعودی موجب شد تا اجرای سیاست جدید ریاض برپایه شناسایی در آستانه تحقق اسرائیل (رژیم صهیونیستی) پیش از تشکیل دولت فلسطینی متوقف شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

اجرای عملیات طوفان الاقصی و در امتداد آن وقوع جنگ گسترده و سبعانه رژیم صهیونیستی علیه غزه به‌عنوان یکی از بزرگترین فجایع انسانی تاریخ معاصر، پیامدهای گسترده‌ای در میان جوامع مختلف و نیز رویکرد حداقل اعلامی دولت‌های عربی، اسلامی و حتی غربی داشته است. باوجود تلاش‌های تاریخی و فشارهای واشنگتن، به‌عنوان قدرت «ساختاری» نظام بین‌الملل برای تحقق عادی‌سازی روابط ریاض-تل‌آویو با اهدافی چون شکل دادن به «نظم و توازن قدرت» جدید در غرب آسیا از جمله در برابر ایران و نفوذش در عراق، سوریه، لبنان و یمن، اما جنگ غزه و «متغیرهای داخلی» مداخله‌گر و جدید به تغییر رویکرد عربستان انجامید.

در شرایطی که در «ادراک رهبران» سعودی هماهنگی با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا و احساس تهدید مشترک به‌همراه تل‌آویو از برنامه هسته‌ای و سیاست‌های منطقه‌ای تهران به‌ویژه پیش‌از احیای روابط ایران و عربستان در سال ۱۴۰۱ به‌عنوان مولفه امنیتی، محرک عادی‌سازی بود، درادامه مولفه‌های اقتصادی به‌خصوص به‌واسطه اثرگذاری بر تحقق چشم‌انداز ۲۰۳۰ سعودی و تسهیل و توسعه تعاملات سرمایه‌گذاری، اقتصادی و انتقال فناوری غرب به انگیزه‌های رهبران ریاض برای ادامه این روند منجر شد. بااین‌حال، وقوع جنگ غزه و پیامدهای انسانی و ژئوپلیتیکی آن موجب شد تا پادشاهی سعودی تصمیم‌گیری در این‌باره را نه مبتنی بر اراده متحد ساختاری خود بلکه براساس ادراک جدید شکل گرفته مبتنی بر دو مولفه «هویت» و «مشروعیت» عربی و اسلامی و نیز برداشت جدید تهدید مدنظر قرار دهد. به عبارت دیگر، همانگونه که واقع‌گرایان نوکلاسیک استدلال می‌کنند، «متغیرهای داخلی مداخله‌گر» چون ادراک رهبران سعودی و نوع روابط جامعه و دولت، مبتنی بر عواملی چون هویت عربستان، مسئله مشروعیت خاندان حاکم به‌ویژه در پرتو نقش افکار عمومی داخلی و جوامع عربی و



اسلامی، و «متغیر منطقه‌ای» نگرانی از توازن قدرت و تهدید جدید بر «متغیر بین‌المللی» فشارهای ساختاری آمریکا غلبه کرده است.

همانگونه که در پژوهش نشان داده شد، جنگ غزه سبب گردید مجدداً مسئله فلسطین در کانون توجه افکار عمومی به‌ویژه در جوامع اسلامی، عربی و میان مردم عربستان قرار گیرد. در کنار افزایش همبستگی با مردم فلسطین و حمایت از تشکیل کشور مستقل فلسطینی، میزان مخالفت با عادی‌سازی، نگاه منفی به ایالات‌متحده و غرب و مطالبه قطع روابط با تل‌آویو به‌شکل قابل‌توجهی در این جوامع بالا رفت. یکی از عناصر قدرت‌بخش به موقعیت خاندان حاکم سعودی و کشور عربستان، برجستگی هویت عربی و اسلامی و در نتیجه تلقی رهبری جهان اسلام و عرب بوده است. باوجود تغییر رویکرد سعودی در دوره سلمان‌ها از جهت‌گیری ایدئولوژیک به اقتصادی اما همچنان و ازجمله در چشم‌انداز ۲۰۳۰ حفظ این موقعیت در قلب جوامع اسلامی و عربی مورد تأکید است. ازسوی دیگر، تلقی رژیم اسرائیل مبنی بر تضعیف رقبا و دشمنان دولتی و غیردولتی‌اش و به‌طور مشخص محور مقاومت موجب شده تا تل‌آویو نه در پی یک توازن قدرت بلکه به‌دنبال تسلط بر منطقه برآید و این خود به یک ادراک تهدید جدید در نزد رهبران سعودی منجر شده است.

بنابراین باوجود ساختار سیاسی غیردموکراتیک پادشاهی سعودی، اما محمدبن‌سلمان به هزینه‌های داخلی و خارجی تحقق عادی‌سازی در شرایط کنونی و واکنش‌های احتمالی جامعه سعودی و حتی جوامع عرب و اسلامی به آن آگاه شده است. در نتیجه هم در جهت حفظ «هویت» عربی-اسلامی این کشور و هم در جهت حفظ «مشروعیت» خود به‌ویژه در جامعه داخلی که در مجموع نقش رهبری عربستان در این جوامع را شکل می‌دهد، امکان نادیده گرفتن نگاه مردم را ندارد. این امر نیز منطبق بر نگاه واقع‌گرایان نوکلاسیک است که معتقدند در صورت اختلاف نظر میان دولت (مایل به عادی‌سازی) و جامعه (مخالف عادی‌سازی)، فرآیند سیاست‌گذاری با مانع مواجه شده و موجب تغییر رویکردها می‌شود. به این دلیل ریاض همسو با مطالبات جوامع عرب و مسلمان، و ادراک جدید تهدید از نیات سلطه‌جویانه تل‌آویو، با عدول از «سیاست جدید» پادشاهی در دوره سلمان‌ها که تحقق عادی‌سازی مبتنی بر منافع خاص سعودی و نه تشکیل دولت مستقل فلسطینی بود، مجدداً به مسئله حقوق فلسطینیان که «سیاست سنتی» پادشاهی از سال ۲۰۰۲ بود به‌عنوان شرط غیرقابل مذاکره تأکید می‌کند. این یافته‌ها و نتیجه‌گیری دلالت بر صحت فرضیه طرح شده در آزمون مقاله دارد که عنوان می‌کرد تحولات



جنگ موجب اتخاذ یک «رویکرد تلفیقی» از سیاست سنتی و سیاست جدید در قبال منازعه تاریخی خاورمیانه شده است. از این منظر، در این رویکرد تلفیقی، از این پس دو سیاست سنتی و جدید هم به‌عنوان همسویی با افکار عمومی و هم در راستای بهره‌گیری از این اهرم در برابر جهت‌گیری سلطه‌جویانه جدید دولت راست‌گرای اسرائیل در دستور کار خواهد بود. باید تأکید کرد محیط بین‌المللی و منطقه‌ای پویا و متغیر است و متاثر از تحولات نوپدید از جمله تداوم یا عدم تداوم فضای موجود در نزد افکار عمومی یا رویکردهای ایالات متحده یا مسئله توازن منطقه‌ای، عادی‌سازی و تفسیر حقوق فلسطینیان می‌تواند با دگرگونی همراه شود.

### پیشنهاد‌های رسانه‌ای - کاربرد

- ۱- با وجود تفاوت راه‌حل‌های تهران با ریاض و اعراب منطقه در خصوص منازعه تاریخی خاورمیانه، یکی از محورهای مورد توجه به‌ویژه در رسانه‌های برون‌مرزی می‌تواند به‌جای تأکید بر مخالفت ایران با ایده دو دولتی، برجسته‌سازی مخالفت رژیم اسرائیل با این ایده که به‌منزله مخالفت با تشکیل کشور فلسطینی است باشد تا هزینه عدم تحقق این راه‌حل برعهده تل‌آویو قرار گیرد.
- ۲- با توجه به برجستگی عناصر «عربی» در نظرسنجی‌ها پیرامون چرایی جلب توجه مجدد جوامع عرب به مسئله فلسطینیان، آنچه موجب این نتایج شده، بازنمایی رسانه‌ای جنایت‌های رژیم اسرائیل از جمله هدف قرار دادن آشکار و گسترده غیرنظامیان و اماکن آنها است. از این منظر، انعکاس وقایع غزه در رسانه‌های برون‌مرزی می‌تواند برای اثرگذاری بیشتر بر مخاطبان عرب و عربستانی علاوه بر ابعاد «اسلامی» مبتنی بر ابعاد «عربی-انسانی» و در اثرگذاری بر مخاطبان شبکه‌های انگلیسی ابعاد «انسانی» باشد.
- ۳- استفاده از داده‌های معتبر، حضور کارشناسان عربستانی در کنار تحلیلگران شناخته شده و مستقل عرب و حتی صداهای متنوع برای ایجاد هم‌افزایی رسانه‌ای، به‌جای روایت حکومتی، برای تبیین ابعاد ژئوپلیتیکی و تهدیدهای استراتژیک ناشی از اهداف رژیم اسرائیل در جنگ به‌ویژه احتمال تکرار سرنوشت غزه برای کرانه باختری، اخراج گسترده‌تر فلسطینیان و الحاق اراضی جدید در قالب اسرائیل بزرگ و خطرات آن برای کشورهای منطقه به‌ویژه سعودی می‌تواند در حفظ و افزایش حساسیت جوامع عربی و اسلامی به‌ویژه در عربستان و متعاقباً تداوم اثرگذاری نگاه افکار عمومی بر حکام خود موثر باشد.

۴- همکاری با رسانه‌های منطقه‌ای در زمینه تولید برنامه‌های مشترک، استفاده متقابل از کارشناسان و خبرنگاران مستقر در مناطق جنگی، راستی‌آزمایی‌ها از وقایع جنگ در جهت حفظ فضای رسانه‌ای در حمایت از فلسطینیان و جلوگیری از سیطره روایت رسمی اسرائیلی- غربی مفید خواهد بود.

۵- ساخت مستند و گفتگو با فعالان گروه‌های مدنی، نهادهای بشردوستانه و امدادگران بین‌المللی و همچنین خبرنگاران رسانه‌های حاضر در غزه و بازنمایی روایت آن‌ها از فجایع انسانی رخ داده و نیز هدف قرار گرفتن همکاران‌شان از سوی رژیم اسرائیل و نقض قواعد حقوق بشردوستانه برای مخاطبان عرب و انگلیسی‌زبان توصیه می‌شود.

۶- آنچه موجب شد تا برخلاف شورای امنیت، مجمع عمومی سازمان ملل به حقوق فلسطینیان گرایش یابد، پیوند میان آرمان‌های کشورهای عربی و اسلامی با کشورهای در حال توسعه (دارنده اکثریت آرا مجمع عمومی) مبتنی بر اصولی چون عدالت، مبارزه با اشغال و حق تعیین سرنوشت بوده است. فارغ از تفاوت‌های موجود، توجه به آرمان‌های مشترک ایران با کشورهای عربی-اسلامی و کشورهای در حال توسعه در خصوص مسئله فلسطین و نیز امنیت منطقه غرب آسیا، و برجسته‌سازی این محورها در تولیدات رسانه‌ای مفید است. در این چارچوب، تمرکز رسانه‌ای در خصوص آثار بلندمدت جنگ غزه و نیز تهدیدات عادی‌سازی چون منتفی ساختن تشکیل دولت فلسطینی (حساسیت بین‌المللی-عربی-اسلامی)، از بین بردن هویت ملی و قومی فلسطینیان (حساسیت عربی-اسلامی) و هویت قدس و مسجدالاقصی (حساسیت اسلامی-عربی) موجب تداوم مخالفت جوامع مختلف با رفتار و اقدامات رژیم اسرائیل در نادیده گرفتن حقوق فلسطینیان می‌شود.

## تعارض منافع

نویسنده مقاله اعلام می‌کند هیچ تضاد منافی در مورد انتشار مقاله وجود ندارد و حق مالکیت- معنوی، امانت داری، سرقت ادبی، جعل داده‌ها، انتشار هم‌زمان و یا هرگونه تخلف دیگر، رعایت شده است.

## فهرست منابع

افسردیر، ه.، کریمی‌فرد، ح.، محقق‌نیا، ح.، و مهدی‌پور، آ. (۱۴۰۳). دیپلماسی پنهان میان عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی: ریشه‌ها، روندها و شکست. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱(۲۷)، ۱۳۲-۱۰۹. <https://doi.org/10.22034/srq.2024.196374>

اسپوتنیک. (۲۰۲۳). ولیعهد سعودی خواستار آتش بس در غزه شد. ۱۱ نوامبر ۲۰۲۳. <https://spnfa.ir/20231111/18582595.html>.

ترابی‌ا قدم، م.، و بختیاری، ت. (۱۴۰۱). محور مقاومت اسلامی در گفتمان رسانه‌ای شبکه‌های خبری سی‌ان‌ان، یورونیوز و بی‌بی‌سی، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۲(۷)، ۱۶۴-۱۲۹.

<https://www.magiran.com/p2624644>  
خبرگزاری ایرنا. (۱۴۰۳). ادعای نتانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل: جنگ ادامه خواهد یافت. ۶ مهر ۱۴۰۳. قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/85609568>.

خبرگزاری ایرنا. (۱۴۰۱). توافقات واشنگتن و ریاض در سفر بایدن به عربستان. ۲۵ تیر ۱۴۰۱. قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/84822304>.

خلخال، س.، و بیرجندی، ف. (۱۴۰۳). رسانه و جنگ، تحلیل محتوای اخبار صفحات مجازی تلویزیون اینترنتی دربارۀ جنگ ۲۰۲۳ فلسطین و رژیم اسرائیل، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۱(۹)، ۳۰۸-۲۸۱. ریسمن، ن.، تالیافرو، ج.، و لابل، ا.ا. (۱۴۰۳). *واقع‌گرایی نئوکلاسیک: نظریه‌ای برای سیاست بین‌الملل*. ترجمه علیرضا رضایی و محمدرضا صارمی. تهران: قومس.

علیخانی، م. (۱۴۰۱). *جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی: سیاست خارجی، روابط دوجانبه و نظم منطقه‌ای*، کرج: جهان سیاست.

علیخانی، م. (۱۴۰۳). اهداف و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و رژیم اسرائیل در پس‌طوفان الاقصی؛ کدام نظم؟. *فصلنامه غرب آسیا*، ۴(۲)، ۳۳-۱.

مقومی، ا. ر.، و شریعتی، ش. (۱۴۰۱). اثرسنجی نظام موازنه دور آمریکا در روابط راهبردی عربستان سعودی و اسرائیل. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۴(۴)، ۱۵۴-۱۲۹.

<https://doi.org/10.22034/FASIW.2023.360744.1201>  
موسویان، ح. (۱۴۰۲). *ساختار جدید امنیت، صلح و همکاری در خلیج فارس*. ترجمه منیرالسادات میرنظامی. تهران: انتشارات روزنه.

یورونیوز. (۲۰۲۰). فلسطین در معامله قرن؛ موافقان و مخالفان طرح ترامپ کیستند؟ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۰. <https://per.euronews.com/2020/01/29/who-are-the-supporters-and-opponents-of-the-trump-peace-plan-palestine>.

Aljazeera (2025), Saudi Arabia slams Netanyahu's suggestion it should host Palestinian state, 9 Feb 2025, <https://www.aljazeera.com/news/2025/2/9/saudi->

- [arabia-slams-netanyahus-suggestion-it-should-host-palestinian-state?utm\\_source=chatgpt.com](https://www.arabnews.com/node/2611741/saudi-arabia).
- Arabnews (2025). A, Arab world joins Saudi Arabia in condemning Netanyahu's 'Greater Israel' remarks, 14 August 2025, <https://www.arabnews.com/node/2611741/saudi-arabia>.
- Arabnews (2025). B, Saudi Cabinet condemns Netanyahu's 'Greater Israel' policy, reaffirms support for Palestine, 19 August 2025, <https://www.arabnews.com/node/2612356/saudi-arabia>.
- Blanchard, C. M. (2021). *Saudi Arabia: Background and U.S. Relations*, Washington: Congressional Research Service, Updated: October 5, 2021, <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/RL/RL33533>.
- Cleveland, C., and Pollock, D. (2023). New Poll Sheds Light on Saudi Views of Israel-Hamas War, *Washington Institute*, Dec 21, 2023 <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/new-poll-sheds-light-saudi-views-israel-hamas-war>.
- Cook, S. A., and Indyk, M. (2022). The Case for a New U.S.-Saudi Strategic Compact, *Council on Foreign Relations*, Council Special Report No. 94, June 2022, [https://cdn.cfr.org/sites/default/files/report\\_pdf/CFR\\_CSR94\\_U.S.-SaudiStrategicCompact.pdf](https://cdn.cfr.org/sites/default/files/report_pdf/CFR_CSR94_U.S.-SaudiStrategicCompact.pdf).
- Ebrahim, N. (2023). Saudi crown prince says normalization deal with Israel gets 'closer' every day, *CNN*, September 21, 2023, <https://edition.cnn.com/2023/09/21/middleeast/saudi-arabia-mbs-interview-fox-intl>.
- Financial Times* (2025). Saudi Arabia launches ferocious state media attack on Benjamin Netanyahu, 12 Feb 2025, at: [https://www.ft.com/content/be852fec-d1df-4131-9e3f-23b1a0897f5b?utm\\_source=chatgpt.com](https://www.ft.com/content/be852fec-d1df-4131-9e3f-23b1a0897f5b?utm_source=chatgpt.com).
- France24* (2024). Hamas-Israel war slams door on cautious US-Iran thaw, 2023.10.09, <https://www.france24.com/en/live-news/20231009-hamas-israel-war-slams-door-on-cautious-us-iran-thaw>.
- Goldberg, J. (2018). Saudi Crown Prince: Iran's Supreme Leader 'Makes Hitler Look Good', *The Atlantic*, April 2, 2018, <https://www.theatlantic.com/international/archive/2018/04/mohammed-bin-salman-iran-israel/557036/>.
- Kostiner, J. (2005). Coping With Regional Challenges: A Case Study of Crown Prince Abdullah's Peace Initiative, Paul Aarts, Gerd Nonneman, *Saudi Arabia in the Balance: Political Economy, Society, Foreign Affairs*, London: Hurst.
- Mearsheimer, J. (2025). Israelis committing genocide in Gaza, with US 'complicit': Geopolitical expert, *Middle East Monitor*, July 31, 2025, <https://www.middleeastmonitor.com/20250731-israelis-committing-genocide-in-gaza-with-us-complicit-geopolitical-expert/>.

- Naar , I. (2023). Saudi Crown Prince condemns Israel's 'violations' in Gaza as Riyadh hosts Arab diplomats, *The National News*, 10 November 2023, [https://www.thenationalnews.com/mena/palestine-israel/2023/11/10/saudi-african-summit-gaza-israel/?utm\\_source=chatgpt.com](https://www.thenationalnews.com/mena/palestine-israel/2023/11/10/saudi-african-summit-gaza-israel/?utm_source=chatgpt.com).
- Palestine Chronicle* (2023). Overwhelming Saudi Majority Rejects Normalization, Supports Resistance – Poll, December 22, 2023, [https://www.palestinechronicle.com/overwhelming-saudi-majority-rejects-normalization-supports-resistance-poll/?utm\\_source=chatgpt.com](https://www.palestinechronicle.com/overwhelming-saudi-majority-rejects-normalization-supports-resistance-poll/?utm_source=chatgpt.com).
- Reuters* (2022). Biden welcomes Saudi decision to open air space to all carriers, July 15, 2022. [https://www.reuters.com/world/middle-east/biden-welcomes-saudi-decision-open-air-space-all-carriers-2022-07-15/?utm\\_source=chatgpt.com](https://www.reuters.com/world/middle-east/biden-welcomes-saudi-decision-open-air-space-all-carriers-2022-07-15/?utm_source=chatgpt.com)
- Reuters*(2023). Hamas attack aimed to disrupt Saudi-Israel normalization, Biden says, October 21, 2023, <https://www.reuters.com/world/middle-east/hamas-attack-aimed-disrupt-saudi-israel-normalization-biden-2023-10-20/>.
- Robbins, M., and Jamal, A.(2025). Foreign Affairs: Arab Public Opinion Constrains Normalization with Israel, *Arab Barometer*, June 23, 2025, <https://www.arabbarometer.org/media-news/press-release-foreign-affairs-article-how-arab-public-opinion-constrains-normalization-with-israel/>.
- Rose, G. (1998). Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy, *World Politics*, Vol. 51, No. 1, 144-172.
- Schwartz, F., and Said, S. (2020). Israel's Netanyahu, Saudi Crown Prince Hold First Known Meeting, *The Wall Street Journal*, Nov. 23, 2020, <https://www.wsj.com/articles/israels-netanyahu-meets-saudi-crown-prince-hebrew-media-says-11606120497>.
- The Arab Center for Research and Policy Studies* (2024). Arab Public Opinion about the Israeli War on Gaza, 10 January 2024. <https://arabindex.dohainstitute.org/EN/Pages/APOIsWarOnGaza.aspx>.
- The Associated Press* (2025). Middle East latest: Trump suggests Palestinians leave Gaza as talks on ceasefire resume, February 5, 2025. <https://apnews.com/article/israel-hamas-war-gaza-ceasefire-news-02-04-2025-763f7874199e84926f75f5a513087137>.
- The Guardian* (2020). Saudi king tells Trump he wants a fair and permanent solution for Palestinians, 7 Sep 2020. <https://www.theguardian.com/world/2020/sep/07/saudi-king-tells-trump-he-wont-normalise-israeli-ties-without-palestinian-statehood>.
- The Wall Street Journal* (2023). Saudi Arabia Seeks U.S. Security Pledges, Nuclear Help for Peace With Israel, March 9, 2023. <https://www.wsj.com/articles/saudi-arabia-seeks-u-s-security-pledges-nuclear-help-for-peace-with-israel-cd47baaf>.
- Walt, S.M. (2024). Why Realists Oppose the War in Gaza, *Foreign Policy*, <https://foreignpolicy.com/2024/05/21/why-realists-oppose-the-war-in-gaza/>.
- Waltz, K. N. (1979). *Theory of International Politics*, New York: Random House.